

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، پیاپی ۵
صفحات ۱۱۸-۱۰۱

چالش‌ها و راهبردهای توسعه فضایی روستاهای الحاقی به شهر گرگان

علی اکبر نجفی کانی^{*}، استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه گلستان.
نوشین صادقی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان.
مریم رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان.

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۹/۲

چکیده

با گسترش شتابان و رشد بی‌رویه شهرهای کشور در طی چند دهه اخیر، روستاهای مجاور و یا نزدیک این سکونتگاه‌ها رفته رفته به شهرها ملحق شدند. بدین ترتیب روستاهای الحاقی که بدون برنامه‌ریزی و خودجوش به محدوده قانونی شهرها ملحق شدند، زمینه را برای حضور و گسترش هر چه بیشتر اسکان غیررسمی در حاشیه شهرها فراهم ساختند. پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع و چالش‌های فراروی توسعه روستاهای الحاقی به میزان رضایت حاشیه‌نشینان از امکانات موجود و از ارائه خدمات از سوی مسئولان شهری در شهر گرگان در دو روستای اوزینه و انجیراب پرداخته است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی بوده است. از دو روش اسنادی و میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. به منظور سنجش مولفه‌ها و متغیرهای تحقیق، از آزمون‌های کای اسکوتر، رگرسیون لجستیک، فای T مستقل استفاده شد. با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت. نتایج نشان داد بین شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی با میزان توسعه‌یافتگی روستاهای الحاقی رابطه معناداری وجود دارد و علاوه بر آن مهاجرت و تبعات ناشی از آن در ناحیه مورد مطالعه به عنوان مهم‌ترین مانع و چالش فراروی توسعه فضایی این روستاها در حاشیه شهر محسوب می‌گردد. در ضمن با بررسی میزان رضایت مردم از عملکرد سازمان‌های ذی‌ربط در سطح محلات می‌توان اذعان داشت که سیاست‌های دستگاه‌های اجرایی به منظور پیشرفت و توسعه روستاهای الحاقی، کارآمد نبوده و بر مسائل و مشکلات ناحیه مورد مطالعه افزوده می‌شود.

واژگان کلیدی: توسعه فضایی، روستاهای الحاقی، حاشیه‌نشینی، گرگان.

(۱) مقدمه

افزایش جمعیت، گسترش فضایی شهرها و از بین رفتن اراضی زراعی پیرامونی، ادغام روستاها با شهرها را به دنبال داشته که این پدیده روز به روز در حال گسترش بوده و در شهرها نمود بیشتری می‌یابد. روستاهایی که در حوزه نفوذ و پیرامون شهرها قرار دارند با توسعه فیزیکی به فضای شهری تبدیل شده و در درون این شهرها بلعیده می‌شوند. روند ادغام نه تنها به حل مشکلات روستاییان کمکی نمی‌کند بلکه برای شهرها نیز مشکلاتی را به همراه می‌آورد. در واقع الحاق و ادغام، هنگامی پدیدار می‌گردد که مرزهای یک حوزه شهری معین به عرصه‌های پیرامونی گسترش می‌یابد و اجزای فضایی پیرامونی را به خود ملحق می‌سازد (Caves, 2005؛ سعیدی و حسینی حاصل، 1386: 8). براساس نظریه کارشناسان، حاشیه‌نشینان افرادی هستند که در محدوده اقتصادی و اجتماعی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر نمی‌شوند و این مهم برای ساکنان روستاهای الحاقی به شهر بیشتر نمایان می‌گردد (حاجی‌یوسفی، 1381: 16).

چارلز آبرامز حاشیه‌نشینانی را با این خصوصیات تعریف می‌کند: ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسائی عرصه خدمات درمانی، تراکم و ازدیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوارض طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود که می‌تواند به صورت زاغه و یا منطقه زاغه-نشین معرفی گردد (محسنی، 1389: 134). بعضی از افراد در حقیقت با اختیار کردن زندگی حاشیه‌ای و مشغول شدن به شغل‌های گاه کاذب، گرچه در کنار یا حتی در بطن شهر هستند، اما ویژگی‌های مختص به خود دارند که یکی از دلایل اصلی این فرایند فرهنگ غیر بومی و به عبارتی مهاجرت بوده که در بسیاری از موارد هر دسته یا گروه از هر محلی که آمده‌اند، آداب و رسوم و فرهنگ خاص خود را به آن نقطه انتقال داده‌اند. از جمله شاخص‌های عمومی این مناطق را می‌توان واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده با تجهیزات ناقص، تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتار مردم، گوشه‌گیری مردم از جریانات شهری و سکونتگاه‌های غیر رسمی ذکر کرد. تغییراتی که در پی این فرآیند شکل گرفته در زمینه اجتماعی-اقتصادی، کالبدی تأثیر گذار بوده است. از جمله مهم‌ترین پیامدهای ادغام روستاها به شهرها می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی اشاره نمود که محل برخورد فرهنگ‌ها بوده و به دلیل متنوع بودن خرده فرهنگ‌ها با عقاید و برخوردهای متفاوت در محیط و ناآشنا بودن با شرایط زندگی شهری و عدم احساس تعلقات شهروندی در روستاها جلوه‌ی بیشتری پیدا کرده است و تعارضات متفاوتی را به دنبال دارد. از دیگر پیامدهای ادغام روستاها تغییر در وضعیت اقتصادی است به این علت که در گذشته اکثر روستاییان کشاورز بودند سپس با تبدیل شدن روستاها به شهر، اراضی زراعی زیادی از بین رفته و به زیر ساخت و ساز می‌رود. بنابراین به تدریج با گسترش نیازها، ساخت‌وسازها افزایش می‌یابد و مشاغل

جدید متناسب با نیازهای جدید شکل می‌گیرد و تبدیل شدن گروه‌های عمده‌ای از تولیدکنندگان جامعه به جمعیت مصرف کننده صورت می‌گیرد. به دلیل نداشتن تخصص، شرایط برای حضور در اقتصاد غیررسمی و مشاغل کاذب فراهم می‌گردد به طوری که به وضوح تفاوت طبقاتی به چشم می‌خورد. از پیامدهای زیربنایی و کلیدی ادغام روستاها با شهرها، تغییرات کالبدی است که در حاشیه شهرها نمود بیشتری می‌یابد چرا که ساخت‌وسازهای غیر مجاز و بدون استحکام، حاشیه‌نشینی را تشدید می‌کند. به دلیل وضعیت نامناسب مالی، افراد به ساخت‌وسازهای غیر اصولی و ناپایدار و نامأنوس با محیط روی آورده و در این صورت انسجام روستا گسیخته شده و ثبات آن از بین می‌رود و اسکان غیررسمی شکل می‌گیرد و سیمای شهر چهره‌ی زشتی به خود می‌گیرد. با افزایش محدوده قانونی شهر توسط روستاها حوزه خدمات‌دهی و خدمات‌رسانی شهرداری‌ها نیز گسترده‌تر شده و چون عوارض شهرداری از سوی ساکنان این محلات جدید پرداخت نمی‌گردد در نتیجه ارائه خدمات و تسهیلات از سوی شهرداری‌ها نیز ضعیف بوده و برای شهرداری هزینه‌های بسیاری را در بر خواهد داشت و مدیریت با مشکلات فراوانی همراه خواهد شد. از طرفی بیشتر شهرهای کشور ما به طور معمول یا در میان و یا در نزدیکی بهترین اراضی کشاورزی و باغ‌ها واقع گردیده‌اند. هم‌جواری مکان استقرار شهرها با اراضی حاصل‌خیز کشاورزی و باغ‌ها زمینه‌ی گسترش فضاهای شهری را در داخل و پیرامون این اراضی فراهم آورده و در مواردی به محصور شدن قطعات بزرگی از آن‌ها در داخل محدوده‌های شهری منجر شده است (پورمحمدی و جام-کسری، 1389: 6-7). از هنگامی که شهر گرگان به واسطه گسترش شتابان با بحران فیزیکی و فضایی مواجه شد، روستاهای واقع در پیرامون شهر مورد توجه قرار گرفت. به دلیل وجود محدودیت فضایی موجود در درون شهر، نخستین توجه به سوی روستاهای مجاور از جمله روستاهای انجیراب و اوزینه جلب شد و شهر پس از این که از بافت اولیه خود خارج شد و به اطراف گسترش خود را آغاز کرد به سوی مزارع کشاورزی و باغات اطراف شهر توسعه فیزیکی یافت و سبب ادغام این روستاها در خود شد. بنابراین روستاها بی آن که شرایط تبدیل شدن به محله شهری را داشته باشند ملزم به، بدوش کشیدن بار بزرگ شهری شدن گشتند. از آن جا که این روند تقریباً بدون هیچ طرح و نقشه قبلی صورت پذیرفت موجبات تغییرات کالبدی- فضایی را خصوصاً در مناطق روستایی فراهم آورد و سبب گشت که رفته رفته روستاها از معماری اولیه و سنتی خود دور شده و به دلیل نداشتن بنیه مالی لازم، با استفاده از مواد و مصالح جدید ساختمانی نامقاوم و نامرغوب موجب برهم خوردن نظم طبیعی موجود در شهرها شوند؛ و سبب رشد و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در حاشیه شهر گرگان شدند. از طرف دیگر در چند دهه اخیر با توجه به حجم وسیع مهاجرت از نقاط مختلف به استان گلستان از جمله به شهرستان گرگان، حاشیه-نشینی در این شهر رشد چشمگیری داشته است. آمارها حکایت از آن دارد که حدود 17 درصد از

جمعیت شهر گرگان در محلات حاشیه‌نشینی (سکونتگاه‌های غیررسمی) ساکن هستند (جهانی، 1390: 15). اکثریت جمعیت حاشیه‌نشین را مهاجران از شهرها و روستاهای اطراف تشکیل داده‌اند که با انگیزه کسب درآمد بیشتر و برخورداری از موقعیت‌های اجتماعی بهتر و دسترسی به امکانات و خدمات به شهر روی آورده و چون پول و درآمد کافی برای زندگی در نقاط مطلوب شهر را ندارند، به ناچار به نقاط حاشیه‌ایی شهر روی می‌آورند. بر این اساس تحقیق حاضر سعی دارد با توجه به مطالب مطرح شده به سوالات اساسی زیر پاسخ دهد:

- مهم‌ترین موانع و چالش‌ها فراروی توسعه روستاهای الحاقی به شهر گرگان کدامند؟
- میزان رضایت حاشیه‌نشینان (روستاهای الحاقی) از امکانات موجود و خدمات‌رسانی مدیریت شهری چقدر است؟

۲) مبانی نظری

فاصله اندک روستاهای پیرامونی با حاشیه‌ی شهرها و افزایش جمعیت و مهاجرت مهم‌ترین دلایل الحاق روستاها به شهرها می‌باشند. عده‌ای از محققین به تأثیر فاصله در میزان ادغام روستاهای الحاقی توجه کرده‌اند و مهم‌ترین عامل ادغام روستاها به شهرها را فاصله کم روستاهای ادغامی به مرکز شهر می‌دانند. از سوی دیگر عده‌ای تصمیم به مهاجرت را پاسخ منطقی به شرایط اقتصادی می‌دانند (آلن گیلبرت و ژوزف گاگلر، 1375؛ ایراندوست، 1389: 45). مهاجرت یک رفتار گله‌ای و غریزی نیست بلکه نتیجه یک ارزیابی عقلایی از شرایط است (دوسوتو، 1385؛ ایراندوست، 1389: 45). بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بهای مسکن، مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاها، صنعتی شدن شتابان، مشکلات اقتصادی و فقدان مدیریت واجد و هماهنگ در زمینه مسائل و مشکلات اقتصادی، از مهم‌ترین دلایل ایجاد حاشیه‌نشینی بوده که ناشی از عوامل اقتصادی هم چون جاذبه‌های اقتصادی شهرها و دافعه‌های اقتصادی روستاها می‌باشد و شاخص‌های اجتماعی در اولویت اول و شاخص‌های مدیریتی، کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند (زیاری و نوذری، 1388؛ زنگی آبادی و مبارکی، 1391).

روستاهای الحاقی به دلیل ادغام با شهرها از روند عادی خود دور شده و هنجارهای آن‌ها دچار تغییر و تحولات گشته است و ساخت و سازهای نامأنوس و ناهماهنگ با نظام شهرسازی در آن‌ها به وجود آمده است که دیگر نه از سبک منسجم مسکن روستایی خبری است و نه از سبک مهندسی شهر، که به نوعی اسکان غیررسمی شکل می‌گیرد. آغاز پدیده‌ی اسکان غیررسمی در ایران به اواخر دهه‌ی 1340 باز می‌گردد. اولین مطالعات سازمان یافته پس از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن در سال 1342 و زیر نظر مدیریت امور اجتماعی آن وزارتخانه انجام شد. مهم‌ترین نظریه‌ی مربوط به پیدایش مناطق حاشیه‌نشین،

نظریه نحوه استفاده از اراضی شهری است. در این نظریه شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر به شکل رقابتی است. در این صورت بازندگان این رقابت در بازی با طبقه ثروتمند، نواحی پست و ارزان قیمت را جهت سکونت انتخاب می‌کنند (Mohammadi et al, 2008: 34). جان اف ترنر، اسکان غیررسمی را اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم می‌داند که به صورت ناموزون و غیر اصولی رشد کرده‌اند (Turner, 1963). هم‌چنین کتی راکووسکی از تحلیل‌گرایان شهری، مسأله غیررسمی بودن شهری را بر اساس دو رویکرد اصلی تحلیل کرده است. نخست رویکرد ساختاری که بر پایه‌ی افکار نئومارکسیستی و نظریه‌ی وابستگی است که از پایه‌های فکری نگرش سازمان بین‌المللی کار را تشکیل داده است. وی استدلال می‌کند که اهمیت رویکرد ساختاری در این است که غیررسمی بودن در جوامع پیرامونی را با ماهیت نامتعادل توسعه‌ی سرمایه‌داری توجیه می‌کند (Al saayyad, 2004: 12). رویکرد دوم مورد اشاره‌ی راکووسکی، نئولیبرالیستی است که بر وضعیت "قانونی - بوروکراتیک" دولت تأکید می‌کند که در واقع این وضعیت باعث جدایی بخش رسمی و غیررسمی می‌شود. این دیدگاه (با تحلیلی در سطح میانه) بر الزامات و محدودیت‌های نهادی و شغلی اشاره دارد که غیررسمی بودن را یک راهبرد منطقی می‌کند. از آن جمله دوستو در تحلیل مفصلش که بر تجربه‌ی وی در پرو مبتنی است، به هزینه‌ی رسمی شدن یا هزینه‌های قانونی شدن و نقش آن‌ها در شکل‌گیری عرصه‌های غیر رسمی اشاره دارد (Desoto, 1998: 132-139). در دیدگاه ساماندهی، دولت‌ها با بهسازی مناطق از راه قانونی کردن زمین و بهبود شرایط زندگی مردم و استفاده از مشارکت ساکنان سعی دارند در درجه اول این سکونتگاه‌ها را به رسمیت بشناسند و در درجه دوم از توان و استعداد ساکنان برای ایجاد محیط زندگی بهتر بهره‌برداری کنند (هادیزاده بزاز، 1382؛ زیاری و نودری، 1388: 25). به طور کلی دو راهبرد اساسی برای بهسازی و ارتقای سکونتگاه‌های غیر رسمی به کار گرفته شده است. راهبرد اول، بهسازی و بهبود بخشیدن وضعیت موجود و راهبرد دوم، فراهم آوردن مکان و خدمات است که می‌تواند با کمک دولت و وام برای احداث باشد (Banerjee, 1990؛ صرافی، 1381: 4).

بعد از دهه 1950 نیز یکی از نظریه‌های اساسی دیگر که مباحث جغرافیایی را در روابط شهر و روستا تحت تأثیر قرار داد نظریه قطب رشد است. طبق این نظریه زمانی که همه‌ی سرمایه‌گذاری‌ها در یک نقطه مشخص ایجاد می‌شود، باعث رشد و توسعه اقتصادی آن منطقه می‌شود. این رشد و توسعه باید به صورت متعادل در همه‌ی نقاط ناحیه شهری گسترش یابد ولی در عمل چنین نمی‌شود که به تبع آن مهاجرت بی‌رویه روستاییان به مراکز رشد افزایش می‌یابد. بر این اساس می‌توان ادعان داشت که مهاجرت روستاییان محروم به روستاهای متصل به شهرها به منظور برخورداری از امکانات موجود در شهر، منجر به

افزایش چالش‌ها و مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینان در روستاهای الحاقی گردیده است (هیلهورست ژوزف، 1370: 26-27، شکویی، 1389: 312). بنابراین باید با نگرش واقع‌بینانه زمینه بهسازی، بهبود و رشد سکونتگاه‌های حاشیه‌ای را فراهم آورد و تخصیص تسهیلات و حمایت‌های مادی و معنوی برنامه‌ریزان و به وجود آوردن زمینه‌های امنیت اقتصادی، اجتماعی و فردی ساکنان این سکونتگاه‌ها را در اولویت قرار داد تا زمینه‌های پیشرفت این جوامع حاصل شود (میکانیکی و آرزومندان، 1390: 86، پاپلی-یزدی و رجبی‌سناجردی، 1390: 228-229).

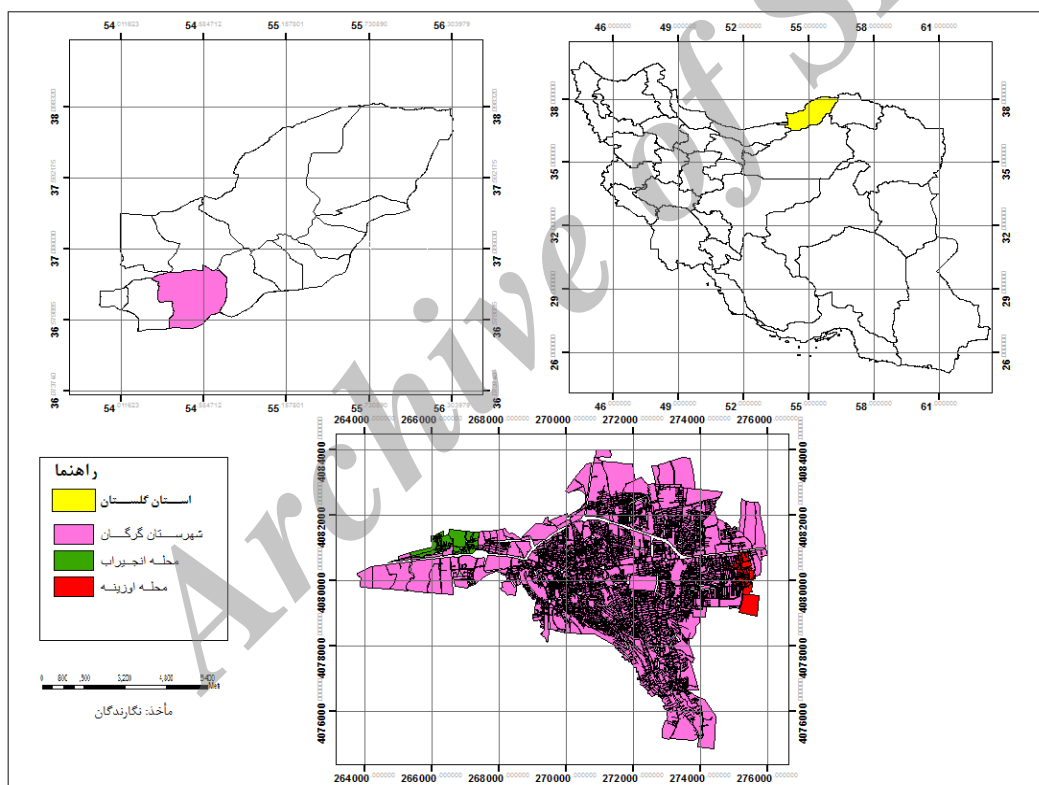
در میان دیدگاه‌های رایج در زمینه توسعه شهری، پراکنش شهری از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سابقه کاربرد این اصطلاح به اواسط قرن بیستم باز می‌گردد. زمانی که بر اثر استفاده بی‌رویه از اتومبیل شخصی و توسعه سیستم بزرگراه‌ها، بسط فضاهای شهری در آمریکا شدت گرفت و این امکان را برای شهروندان فراهم آورد تا از فضاهای درونی شهر خارج شده و با عدم محدودیت ساخت‌وساز در حاشیه شهرها ساکن شوند (Hess, 2004: 4). این نوع توسعه ناموزون شهری اصولاً در اراضی آماده نشده شهرها اتفاق افتاد (تقوایی و سرایی، 1385: 133). بنابراین با ادامه این روند و گسترش هر چه بیشتر حومه‌های شهری، کم‌کم زمینه‌ی ادغام روستاهای واقع در حاشیه‌ی شهرها با شهرها فراهم شد و به این ترتیب علاوه بر رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های روستا-شهری، این موضوع نیز عاملی شد تا جمعیت شهرها بیش از پیش افزایش یابد و سبب جدایی‌گزینی اجتماعی بین بافت اصلی شهر و محلات جدید که در واقع روستایی بیش نبودند، شود (صرافی، 1381: 10).

۳) روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی و پیمایشی بوده که جهت تحلیل و بررسی عمیق‌تر موضوع تحقیق، دو روستا از روستاهای ادغام شده به شهر گرگان شامل روستاهای اوزینه و انجیراب انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. جامعه آماری در تحقیق حاضر، ساکنان محلات انجیراب و اوزینه با جمعیتی به ترتیب معادل 6056 و 8352 نفر است و حجم نمونه در نظر گرفته شده برای تکمیل پرسشنامه از طریق فرمول کوکران 150 خانوار محاسبه گردید که به نسبت جمعیت بین روستاهای الحاقی مورد مطالعه توزیع شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS با بهره‌گیری از آزمون t، رگرسیون لجستیک، کای اسکور و فای انجام گردید. نحوه انتخاب نمونه‌ها در این تحقیق به صورت تصادفی ساده / سیستماتیک بوده و ابزار تحقیق با استفاده از اعتبار صوری (تأیید کارشناسان و متخصصان) و پایایی سوالات پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 73% به دست آمد.

شهر گرگان از شهرهای شمالی ایران و مرکز استان گلستان است که در 54/48 درجه طول شرقی و 36/38 درجه عرض شمالی با ارتفاع متوسط 155 متر از سطح دریاهای آزاد، واقع گردیده است. این شهر

به شکل یک بافت شهری نیمه متراکم با سطح وسیعی از اراضی کشاورزی در شمال و جنگل‌ها و باغات در جنوب، در پهنه‌ای حدود 3633 هکتار گسترده شده است. موقعیت جغرافیایی شهر، ارتباط آن را از شمال به شهر آق‌قلا، از شرق به فاضل‌آباد، از غرب به کردکوی و از جنوب به رشته کوه‌های البرز برقرار می‌کند. هم‌چنین براساس سرشماری سال 1390، شهر گرگان جمعیتی معادل با 329536 نفر (98019 خانوار) داشته است. محلات مورد مطالعه در تحقیق حاضر، محله اوزینه در حوزه استحفاظی منطقه 1 شهرداری واقع در شرق گرگان با وسعتی معادل 41 هکتار و جمعیتی معادل 8352 نفر (2275 خانوار) می‌باشد و محله انجیراب واقع در حوزه استحفاظی منطقه 2 شهرداری (ناحیه 5) واقع در شمال غرب گرگان با وسعتی معادل 97 هکتار و جمعیتی معادل 6056 نفر (1440 خانوار) می‌باشد (مرکز آمار ایران، 1390).



شکل شماره (۱): نقشه موقعیت استان گلستان، شهرستان گرگان، محلات انجیراب و اوزینه در شهر گرگان

۴) یافته‌های تحقیق

طبق نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در محله اوزینه جنسیت پاسخگویان 38.7 درصد زنان و 61.3 درصد مردان بوده و در محله انجیراب 46.7 درصد را زنان و 53.3 درصد را مردان تشکیل داده‌اند. وضعیت اشتغال در محله اوزینه بیشترین فراوانی مربوط به اشتغال تمام وقت با 38.7 درصد و کمترین

مولفه بازنشسته با 14.7 درصد بوده است. در محله انجیراب نیز بیشترین فراوانی مربوط به اشتغال پاره وقت با 64 درصد و کمترین مولفه بازنشسته با 2.7 درصد تشکیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که مردم محله اوزینه بیشتر به کشاورزی اشتغال دارند و خانوارهای محله انجیراب بیشتر نقش خدماتی و کارگری دارند و از نظر اقتصادی نسبت به مردم اوزینه در سطح پایین‌تری قرار دارند. در مورد مالکیت واحدهای مسکونی در محله اوزینه، می‌توان گفت که 78.7 درصد از خانه‌ها به صورت قولنامه‌ای و 21.3 درصد دارای سند رسمی است و در محله انجیراب نیز 74.7 درصد از خانه‌ها قولنامه‌ای و 25.3 درصد دارای سند رسمی بوده‌اند که اختلاف فاحشی را نشان نمی‌دهند.

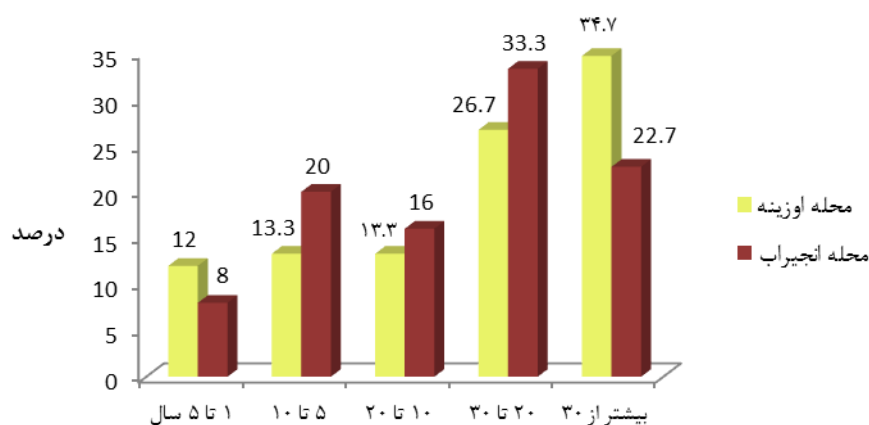
ساخت این واحدهای مسکونی در هر دو محله نیز، بیشتر توسط خود ساکنان و به عبارتی توسط افراد غیرماهر صورت گرفته است. یکی دیگر از متغیرهایی که در این مطالعه به آن پرداخته شده است، شاخص قدمت بنا می‌باشد که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که قدمت بنا در این دو محله تفاوت چندانی با هم ندارد و مساکن قدیمی (بیش از 30 سال ساخت) به مراتب در محله اوزینه بیشتر از محله انجیراب بوده که نشان دهنده قدمت این محله در مقایسه با انجیراب است. علاوه بر آن، با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده در رابطه با مساحت واحدهای مسکونی، مشخص گردید که مساحت واحدهای مسکونی نیز در محله اوزینه بالاتر از محله انجیراب بوده و مساکن در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارند.

در سال 1382 به دلیل احداث بلوار کاشانی و از بین رفتن اراضی و ساخت‌وسازها و تجمع جمعیت، روستای اوزینه به شهر متصل شد و جزئی از محدوده‌ی رسمی شهر تلقی گردید و تا سال 1384، حدفاصل بین روستای انجیراب با شهر گرگان، یک رودخانه بود که با احداث پل بر روی این رودخانه و تجمع جمعیت و تغییر کاربری اراضی به تدریج به شهر پیوست و جزئی از محدوده رسمی شهر به حساب آمد و بدین ترتیب از خدمات شهرداری بهره‌مند گشت.

جدول شماره (۱): مقایسه قدمت بنا در محلات اوزینه و انجیراب

محله انجیراب		محله اوزینه		مؤلفه‌ها	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
8	6	12	9	1 تا 5 سال	1
20	15	13.3	10	5 تا 10	2
16	12	13.3	10	10 تا 20	3
33.3	25	26.7	20	20 تا 30	4
22.7	17	34.7	26	بیشتر از 30	5
100	75	100	75	مجموع	6

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1392.



شکل شماره (۱): نمودار مقایسه قدمت بنا در محلات اوزینه و انجیراب

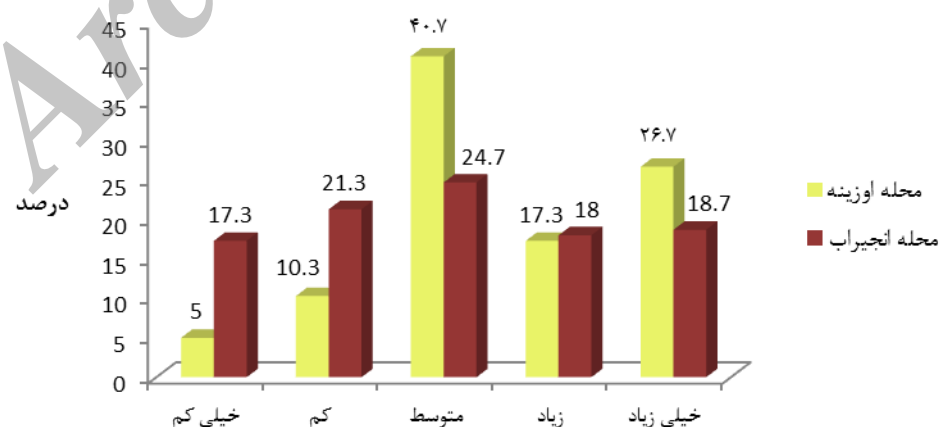
طبق پرسش‌های به عمل آمده از ساکنان، مشخص شده که 93.3 درصد از ساکنان انجیراب و 90.6 درصد از ساکنان اوزینه از میزان دسترسی به کتابخانه، رضایت کمی دارند که این نشان دهنده ضعف و کمبود این امکانات در محلات ذکر شده می‌باشد. هم چنین 94.7 درصد از ساکنان انجیراب و 81.3 درصد از ساکنان اوزینه از میزان دسترسی به امکانات و خدمات تفریحی رضایت کمی دارند. به طوری که ساکنان این محلات برای برطرف کردن این نیاز مجبور به سفرهای روزانه یا هفتگی به سایر مراکز شهری هستند. وضعیت آسفالت و عرض معابر نیز در هر دو محله در شرایط نسبتاً مشابهی قرار داشته به گونه‌ای که فقط نیمی از مردم به دلیل بهسازی و تعریض معابر، از کیفیت معابر و آسفالت محله خود رضایت نسبتاً مطلوبی داشته‌اند.

از دیگر مشکلاتی که ساکنان محلات ذکر شده با آن مواجه هستند، مسأله امنیت می‌باشد. در محله اوزینه به دلیل اشتغال بیشتر جوانان، بالا بودن سطح درآمد سرپرستان خانوارها و تحصیلات بالاتر شهروندان، امنیت نسبی در وضعیت بهتری قرار دارد و در میان جوانان جرم و بزهکاری کمتر است ولی در محله انجیراب به دلیل مشکلات اقتصادی، بیکاری بالا و هم چنین اعتیاد، میزان جرم و بزهکاری بالاست و عملکرد نیروهای انتظامی در این محله در سال‌های اخیر تا حدی در کاهش میزان این آسیب نقش داشته است. با توجه به مسائل ذکر شده در محلات فوق و پرسش‌های به عمل آمده از ساکنان، مشاهده می‌شود که انگیزه ماندگاری سرپرستان در محله انجیراب پایین‌تر از محله اوزینه می‌باشد که آن هم به دلیل مسائل و مشکلات زیادی است که ساکنان انجیراب با آن دست به گریبان هستند.

جدول شماره (۲): بررسی میزان رضایت مردم از امکانات و تجهیزات شهری

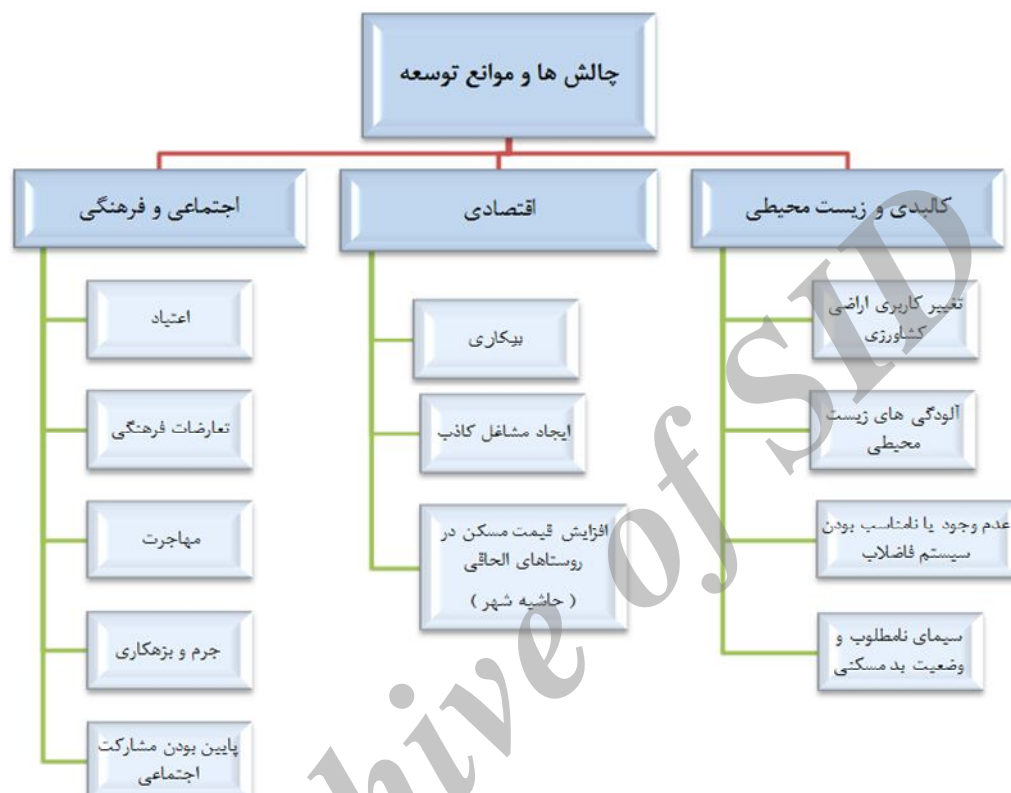
ردیف	مولفه‌ها	محلّه انجیراب					محلّه اوزینه					
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین رتبه ای	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
1	وسایل نقلیه عمومی	فرآوانی	3	1	33	32	6	8	12	30	20	5
		درصد	4	1.3	44	42.7	8	10.7	16	40	26.7	6.7
2	مراکز خرید	فرآوانی	12	14	27	19	3	8	19	31	13	4
		درصد	16	18.7	36	25.3	4	10.7	25.3	41.3	17.3	5.3
3	تاسیسات درمانی	فرآوانی	22	13	25	14	1	21	17	27	8	2
		درصد	29.3	17.3	33.3	18.7	1.3	28	22.7	36	10.7	2.7
4	مسجد	فرآوانی	4	8	33	22	8	-	8	22	26	19
		درصد	5.3	10.7	44	29.3	10.7	-	10.7	29.3	34.7	25.3
5	کتابخانه	فرآوانی	64	6	4	1	-	61	7	1	1	5
		درصد	85.3	8	5.3	1.3	-	81.3	9.3	1.3	1.3	6.7
6	امکانات آموزشی	فرآوانی	41	10	21	2	1	41	14	10	7	3
		درصد	54.7	13.3	28	2.7	1.3	54.7	18.7	13.3	9.3	4
7	امکانات تفریحی	فرآوانی	62	9	3	-	1	46	15	6	4	4
		درصد	82.7	12	4	-	1.3	61.3	20	8	5.3	5.3
8	امنیت	فرآوانی	11	13	30	11	10	12	8	28	17	10
		درصد	14.7	17.3	40	14.7	13.3	16	10.7	37.3	22.7	13.3
9	روشنایی	فرآوانی	20	11	31	12	1	5	10	40	17	3
		درصد	26.7	14.7	41.3	16	1.3	6.7	13.3	53.3	22.7	4
10	جمع آوری سیلاب	فرآوانی	16	17	16	17	9	24	9	18	15	9
		درصد	21.3	22.7	21.3	22.7	12	32	12	24	20	12
11	فضای سبز	فرآوانی	54	11	7	2	1	53	7	12	1	2
		درصد	72	14.7	9.3	2.7	1.3	70.7	9.3	16	1.3	2.7
12	آسفالت	فرآوانی	25	15	29	6	-	21	20	25	9	-
		درصد	33.3	20	38.7	8	-	28	26.7	33.3	12	-
13	عرض معابر	فرآوانی	18	22	26	6	3	17	16	33	8	1
		درصد	24	29.3	34.7	8	4	22.7	21.3	44	10.7	1.3
14	آلودگی هوا	فرآوانی	17	17	2	10	5	11	16	21	17	10
		درصد	22.7	22.7	34.7	13.3	6.7	14.7	21.3	28	22.7	13.3

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، 1392.



شکل شماره (۲): نمودار میزان انگیزه ماندگاری سرپرستان خانوارها در محلّه انجیراب و اوزینه

به طور کلی در بررسی موانع و چالش‌های توسعه حاشیه شهر گرگان عوامل مختلفی هم چون کالبدی و زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دخالت دارند که سبب می‌شود محلات مورد مطالعه در تحقیق حاضر آن طور که باید رشد و توسعه پیدا نکنند که در شکل شماره 3 نشان داده شده است.



شکل شماره (۳): چالش‌ها و موانع توسعه حاشیه شهر

عدالت فضایی در پی توزیع عادلانه نیازهای اساسی، امکانات، تسهیلات و خدمات شهری در میان محلات و مناطق مختلف شهر است به طوری که هیچ محله یا منطقه‌ای نسبت به محله یا منطقه دیگر از نظر برخورداری برتری فضایی نداشته باشد و اصل دسترسی برابر رعایت شده باشد؛ به علاوه از لحاظ سرانه برخورداری با توجه به میزان جمعیت در هر منطقه از شهر اختلاف زیادی وجود نداشته باشد (Harvey, 1996: 106). میزان ارائه خدمات و تسهیلات شهری از سوی شهرداری‌ها و سازمان‌های مربوطه در محلات مختلف شهر متفاوت است و این یکی از دلایلی است که سبب رضایت یا نارضایتی ساکنان از خدمات مربوطه می‌شود. به همان میزان که پرداخت عوارض از سوی ساکنان محلات مختلف شهر متفاوت است، به همان نسبت هم میزان ارائه خدمات از سوی شهرداری‌ها متفاوت است. با توجه به پاسخ‌های پرسش‌شوندگان در محلات مورد مطالعه، در مورد میزان رضایت آن‌ها از تسهیلات شهری، نتایجی حاصل شده که در جدول شماره 3 آمده است. طبق نتایج حاصل از تحلیل همبستگی فای، میزان

رضایت مردم از تسهیلات شهری به این قرار است: دسترسی به مراکز خرید، وجود مسجد در محلات، دسترسی به امکانات تفریحی و آلودگی هوا با سطح 95% معناداری می‌باشد و در نهایت وجود کتابخانه، دسترسی به امکانات آموزشی، دسترسی به وسایل نقلیه، مراکز درمان و بهداشت، امنیت، روشنایی کوچه و خیابان، جمع‌آوری سیلاب، فضای سبز، آسفالت، عرض معابر و سازگاری کاربری‌ها با عدم معناداری نشان داده شده است. از آن جایی که در محلات فقیر و حاشیه‌نشین پرداخت عوارض از سوی ساکنان به درستی صورت نمی‌گیرد، میزان ارائه خدمات در این محلات نیز ناچیز به نظر می‌رسد و ارائه خدمات بیشتر در امور مهم و ضروری به چشم می‌خورد که این مورد در محلات مورد مطالعه (انجیراب و اوزینه) در این تحقیق نیز مصداق پیدا می‌کند.

جدول شماره ۳- بررسی میزان ارتباط رضایت مردم از امکانات و تجهیزات شهری با میزان تمایل ماندگاری

ردیف	مؤلفه	phi	sig	نتیجه	
				تأیید	رد
1	دسترسی به مراکز خرید	0.727	0.033 *	*	
2	وجود مسجد	0.297	0.014 *	*	
3	وجود کتابخانه	0.119	0.733 ns		*
4	دسترسی به امکانات آموزشی	0.175	0.362 ns		*
5	دسترسی به امکانات تفریحی	0.298	0.013 *	*	
6	دسترسی به وسایل نقلیه عمومی	0.062	0.966 ns		*
7	مراکز درمان و بهداشت	0.118	0.718 ns		*
8	امنیت	0.205	0.176 ns		*
9	روشنایی	0.121	0.700 ns		*
10	جمع‌آوری سیلاب	0.192	0.237 ns		*
11	فضای سبز	0.120	0.703 ns		*
12	آسفالت	0.175	0.203 ns		*
13	عرض معابر	0.139	0.575 ns		*
14	آلودگی هوا	0.278	0.021 *	*	
15	سازگاری کاربری‌ها	0.100	0.824 ns		*

*: معناداری در سطح 0.05 ns : عدم معناداری

** : معناداری در سطح 0.01

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

جدول شماره (۴): بررسی میزان ارتباط رضایت مردم از امکانات و تجهیزات شهری با میزان تمایل ماندگاری

ردیف	مؤلفه	من و ابتنی	Z	sig	نتیجه	
					تأیید	رد
1	دسترسی به مراکز خرید	2740	-0.284	0.776 ns	*	
2	وجود مسجد	2129	-2.692	0.007 *	*	
3	وجود کتابخانه	2682	-0.753	0.451 ns	*	
4	دسترسی به امکانات آموزشی	2791	-0.089	0.929 ns	*	
5	دسترسی به امکانات تفریحی	2172	-3.049	0.002 *	*	
6	دسترسی به وسایل نقلیه عمومی	2089	-2.894	0.004*	*	
7	مراکز درمان و بهداشت	2683	-0.506	0.613 ns	*	
8	امنیت	2615	-0.769	0.442 ns	*	
9	روشنایی	2080	-2.934	0.003*	*	
10	جمع آوری سیلاب	2647	-0.635	0.525 ns	*	
11	فضای سبز	2733	-0.373	0.709 ns	*	
12	آسفالت	2702	-0.435	0.663 ns	*	
13	عرض معابر	2633	-0.706	0.480 ns	*	
14	آلودگی هوا	2306	-1.956	0.050 ns	*	
15	سازگاری کاربری ها	2439	-1.447	0.143 ns	*	

*: معناداری در سطح 0.01
 *: معناداری در سطح 0.05
 ns: عدم معناداری
 منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که بین میزان درآمد و میزان رضایت از شرایط موجود محله رابطه معناداری وجود ندارد. به طوری که هر قدر میزان درآمد افزایش یابد، تمایل سرپرستان خانوارها برای رفتن به محلات سطح بالاتر و با شرایط و امکانات بهتر بیشتر می‌شود. هم چنین بین مدت اقامت و میزان رضایت از شرایط موجود در محله نیز تا سطح 99% رابطه معناداری وجود دارد یعنی بیشترین میزان رضایت از سرپرست خانوارهایی است که در این محلات اقامت طولانی‌تری داشته‌اند. بین مساحت واحد مسکونی و میزان رضایت از شرایط موجود تا سطح 95% رابطه معناداری وجود دارد که گویای این واقعیت است که آن‌هایی که از مسکن بزرگ‌تر و با کیفیت بهتری برخوردار بوده‌اند، از شرایط موجود محله خود رضایت بیشتری دارند.

جدول شماره (۵): رابطه بین میزان درآمد، مدت اقامت و کیفیت مسکن با میزان رضایت

ردیف	مؤلفه	مقدار ضریب	انحراف معیار	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	
						تأیید	رد
1	- میزان درآمد سرپرستان پاسخگو - میزان رضایت از شرایط موجود محله	0.540	0.710	1	0.140ns	*	
2	- مدت اقامت در محله - میزان رضایت از شرایط موجود محله	1.650	0.220	1	0.000 **	*	
3	- مساحت و کیفیت مسکن - میزان رضایت از شرایط موجود محله	1.020	0.511	1	0.031 *	*	

** : معناداری در سطح 0.01 * : معناداری در سطح 0.05 ns : عدم معناداری
منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

همان طور که قبلاً نیز گفته شد میانگین مساحت واحدهای مسکونی در محله اوزینه بیشتر از محله انجیراب می‌باشد که به نوعی بیان‌گر این واقعیت است که ساکنان اوزینه از لحاظ مالی در وضعیت نسبتاً مطلوب‌تری قرار دارند. نتایج به دست آمده از بررسی و ارزیابی روابط بین میزان درآمد، مدت اقامت و مساحت در سطح محلات با استفاده از آزمون t مستقل مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره 6 نشان داده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که بین درآمد سرپرستان خانوارها و مدت اقامت آنان تا سطح 99% و بین کیفیت مسکن با میزان درآمد آنان تا سطح 95 درصد معناداری وجود دارد و علت آن را نیز می‌توان در میزان اراضی و املاک تحت تصرف ساکنان جستجو نمود. به عبارت دیگر کسانی که از گذشته نسبتاً دور ساکن روستاهای الحاقی بوده‌اند، به دلیل داشتن اراضی و املاک در مقایسه با مهاجرین که مدت کمی در این محلات اسکان دارند، رضایت بیشتری را از خود نشان می‌دهند.

جدول شماره (۶): بررسی میزان درآمد، مدت اقامت و کیفیت مسکن در بین محلات

ردیف	مؤلفه	f	t	sig	نتیجه	
					تأیید	رد
1	درآمد	7.458	6.146	0.000 **	*	
2	مدت اقامت	0.682	3.932	0.000 **	*	
3	مساحت و کیفیت مسکن	0.021	2.129	0.035 *	*	

** : معناداری در سطح 0.01 * : معناداری در سطح 0.05
منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی ساکنان در روستاهای الحاقی، سرپرستان معمولاً تمایلی برای مقاوم‌سازی مسکن خود ندارند. استفاده از مصالح با دوام در ساخت مسکن ارتباط مستقیم با توان مالی افراد دارد؛ به گونه‌ای که افرادی که توان مالی بالاتری دارند در ساخت مسکن خود از مصالح با دوام‌تر استفاده می‌کنند. با استفاده از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر بیشترین دلایل سرپرستان از عدم مقاوم-

سازی واحدهای مسکونی چنین برآورد شده است که مؤلفه‌های عدم پرداخت وام، عدم توانایی باز پرداخت وام، بوروکراسی اداری و بهره بالای وام تا سطح 99% معناداری و هم چنین نداشتن ضامن معتبر با سطح 95% معناداری نشان داده شده است.

جدول شماره (۷): رابطه دلایل عدم مقاوم سازی مسکن سرپرستان خانوارها در محلات

ردیف	مؤلفه	chi-squer	df	sig	نتیجه	
					تأیید	رد
1	عدم پرداخت وام	40.880	5	0.001 **	*	
2	عدم توانایی باز پرداخت	130.920	5	0.000 **	*	
3	بوروکراسی اداری	39.920	5	0.000 **	*	
4	نداشتن ضامن	19.440	5	0.002 *	*	
5	بهره ی بالای وام	197.920	5	0.000 **	*	

*: معناداری در سطح 0.01 *: معناداری در سطح 0.05

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

بررسی‌های حاصل از تحلیل همبستگی فای/اکرامر V نشان می دهد که بین مؤلفه های ارزانی زمین و مسکن، دسترسی به خدمات و نزدیکی به خویشاوندان تا سطح 95% معناداری وجود دارد، خصوصاً در محله انجیراب که بیشترین مهاجران وارد شده از شهر زابل بوده که با هم خویشاوند هستند و این عامل یکی از عوامل اصلی جذب مهاجر به این محله بوده است (جدول 8).

جدول شماره (۸): بررسی رابطه میزان رضایت مردم از شرایط موجود محله با دلایل مهاجرت آن‌ها

ردیف	مؤلفه	phi	sig	نتیجه	
				تأیید	رد
1	تحصیلات فرزندان	0.226	0.229 ns	*	
2	نزدیکی به خویشاوندان	0.317	0.027 *	*	
3	ارزانی مسکن و زمین	0.362	0.012 *	*	
4	نزدیکی به محل کار	0.217	0.353 ns	*	
5	دسترسی به خدمات	0.310	0.034 *	*	

*: معناداری در سطح 0.01 *: معناداری در سطح 0.05 ns: عدم معناداری

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

نتایج حاصل از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر حاکی از آن است که بین میزان رضایت مردم و عملکرد سازمان‌ها برای ارائه خدمات عمومی رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هر چه عملکرد مسئولان در ارائه خدمات عمومی بهتر باشد، در نتیجه میزان رضایت مردم نیز از آنان بیشتر خواهد شد. شایان ذکر است که میزان رضایت مردم از عملکرد شهرداری و شورای شهر با سطح اطمینان 95% معنادار است و میزان رضایت مردم از عملکرد اداره آب، برق، گاز، مخابرات و نیروی انتظامی سطح اطمینان 99 درصدی

را نشان می‌دهد (جدول 9). به عبارت دیگر عملکرد مسئولان رابطه مستقیمی با بهبود و ارتقاء کیفی زیستی خانوارهای روستاهای الحاقی در ناحیه مورد مطالعه دارد.

جدول شماره (9): بررسی رابطه میزان رضایت مردم از محل زندگی با ارائه خدمات عمومی دستگاه‌های متولی در سطح محلات

ردیف	مؤلفه	chi-squer	df	sig	نتیجه	
					تأیید	رد
1	شهرداری	53.333	4	0.045 *	*	
2	شورای شهر	47.267	4	0.003 *	*	
3	اداره آب	58.467	4	0.000 **	*	
4	اداره برق	96.933	4	0.000 **	*	
5	اداره گاز	125.933	4	0.000 **	*	
6	مخابرات	94.667	4	0.001 **	*	
7	نیروی انتظامی	25.667	4	0.003 **	*	

*: معناداری در سطح 0.05

** : معناداری در سطح 0.01

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

۵) نتیجه‌گیری

الگوی توزیع نامناسب خدمات در شهر گرگان، سبب جدایی‌گزینی گروه‌های انسانی از یکدیگر شده است؛ به طوری که بسیاری از مشکلات ناحیه مورد مطالعه را می‌توان در توزیع ناعادلانه خدمات شهری جستجو کرد. مشکلات و معضلات عدیده و بی‌شماری که ساکنان روستاهای انجیراب و اوزینه با آن‌ها روبرو هستند، واقعیتی انکارناپذیر است. با توجه به این که در سال‌های اخیر، جمعیت محلات مورد مطالعه رشد فزاینده‌ای داشته، سبب گردیده تا این محلات بیش از پیش با کمبود خدمات و امکانات مواجه شوند و متأسفانه توجه مسئولان نیز به قابلیت دسترسی ساکنین از خدمات، بسیار کم بوده است. طبق نتایج حاصل از رضایت حاشیه‌نشینان از تسهیلات شهری مشخص گردید که اکثریت آنان در محلات مورد مطالعه رضایت کمی از دسترسی به امکانات و خدمات شهری دارند که علت آن را نباید فقط در کوتاهی مسئولان و دستگاه‌های اجرایی جستجو کرد؛ زیرا عوامل مهم و بی‌شمار دیگری وجود دارند که در این امر دخیل‌اند. یکی از دلایلی که سبب می‌شود مسئولان شهری رسیدگی مناسبی به این محلات نداشته باشند، عدم پرداخت عوارض از سوی ساکنان این محلات است که دلیل آن را هم باید در مشکلات مالی و فقر و تهیدستی بعضی از آنان جستجو کرد. به همین دلیل مسئولان سعی می‌کنند فقط در امور مهم و ضروری و به عبارتی نیازهای روزمره و جاری مانند جمع‌آوری زباله آنان رسیدگی کنند. بنابراین با توجه به چالش‌ها و مشکلات ناحیه مورد مطالعه راهبردهایی به قرار زیر مطرح می‌گردند:

- کاهش تعارضات فرهنگی در روستاهای الحاقی ناحیه مورد مطالعه با توجه به تنوع قومی در گرگان از طریق افزایش آگاهی اجتماعی؛
- اعطای وام بدون بهره یا با بهره‌ی کم برای مقاوم‌سازی مسکن روستاهای (اوزینه و انجیراب)؛
- ارائه تسهیلات و خدمات شهری از طرف شهرداری از قبیل آسفالت کوچه‌ها، کانال کشی کوچه‌ها؛
- ایجاد صنایع تبدیلی و کارگاه‌های کوچک تولیدی در این محلات در جهت تقویت اشتغال‌زایی؛
- تجهیز وسایل حمل‌ونقل عمومی در روستاهای الحاقی؛
- کاهش جرم و جنایت، بزه‌کاری و اعتیاد با اجرای برنامه‌های امنیتی توسط دستگاه‌های ذی‌ربط؛
- ارتقاء کیفیت زندگی حاشیه‌نشینان با اجرای برنامه‌های حمایتی مسئولان در ناحیه مورد مطالعه؛
- کاهش نابرابری‌های فضایی با ارائه خدمات و تسهیلات عمومی در روستاهای الحاقی.

۶ منابع

- ایراندوست، کیومرث (1389)، سکونتگاه‌های غیر رسمی و اسطوره حاشیه نشینی، چاپ دوم، نشر: تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین (1390)، نظریه‌های شهر و پیرامون، چاپ ششم، نشر: سمت.
- پورمحمدی، محمدرضا و جام کسری، محمد (1389)، ارزیابی ناپایداری در توسعه فضایی متروپل تبریز، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره چهارم.
- تقوایی، مسعود و سرایی، محمدحسین (1385)، گسترش افقی شهر و ظرفیت‌های موجود زمین مورد مطالعه: شهر یزد، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 55، دانشگاه تهران.
- جهانی، رضا (1390)، نگاهی بر وضعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی در استان گلستان، فصلنامه نماد گلستان، شماره 18.
- حاج‌یوسفی، علی‌اکبر (1380-1381)، حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، مجله هفت شهر، سال سوم، شماره 67.
- دوسوتو، هراندو (1385)، راز سرمایه، ترجمه فریدون تفضلی، نشر نی.
- رهنما، محمدرحیم و احمدیان، محمدعلی و محمدیان، محمد (1391)، مدیریت شهری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی نمونه موردی: کوی نه دره مشهد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره هجدهم.
- زنگی‌آبادی، علی و مبارکی، امیر (1391)، بررسی عوامل مؤثر به شکل‌گیری حاشیه نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن در محلات فوق، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال بیست و سه، پیاپی 45، شماره 1.
- زیاری، کرامت‌ا... و نوذری، آذر دخت (1388)، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 68.
- سعیدی، عباس و حسینی‌حاصل، صدیقه (1386)، ادغام کلان شهری سکونتگاه‌های روستایی با نگاهی به کلان شهر تهران و پیرامون، نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال پنجم، شماره 12 و 13.
- شکویی، حسین (1389)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ سیزدهم، نشر: سمت.

- صرافی، مظفر (1381)، به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی از حاشیه نشینی تا متن شهر نشینی، مجله هفت شهر، سال سوم، شماره 8.
- فیروزنیا، قدیر و موسی کاظمی، سید مهدی و صادقی طاهری، اعظم (1390)، تحلیل تاثیر فاصله در میزان ادغام روستاهای الحاقی به شهر، پژوهش های روستاهای، سال دوم، شماره 4.
- گیلبرت، آلن و کالگر، ژوزف (1375)، شهرها، فقر و توسعه، ترجمه پرویز کریمی ناصری، شهرداری تهران.
- لطفی، حیدر و میرزایی، مینو و عدالت خواه، فرداد و وزیرپور، شببو (1389)، بحران حاشیه نشینی و سکونتگاه‌های غیر رسمی در مدیریت کلان شهرها و رهیافت‌های جهانی، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره 2.
- محسنی، رضاعلی (1389)، مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی با تاکید بر توانمندسازی آن، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره چهارم.
- مرکز آمار ایران (1390)، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مهدوی، مسعود (1383)، جغرافیای روستایی ایران، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- میکائیکی، جواد و آرزومندان، راضیه (1390)، کوتاه نگرشی بر مهاجرت‌های روستا- شهری، حاشیه نشینی و امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، سال اول، پیش شماره 2.
- هادیزاده بزاز، مریم (1382)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات شهرداری مشهد.
- هیلهورست، ژوزف (1370)، برنامه ریزی منطقه ای، ترجمه ی غلامرضا شیرازیان و دیگران، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- Alsaayyad, Nezar., (2004), **Urban Informality As A "New" Way Of Life**, In: Roy, Ananya & Nezar Alsaayyad (Eds).
- Banerjee, Guhas., (1990), **Site And Services Project In Greater Bom Boy : Viable Solutions To The Housing Problems Of The Poor**, International Semminaron Asian Urban Environment, Banaras Hindu University.
- Caves, roger, W. (2005), **encyclopedia of the sity**, routledge puble., London- new York.
- Cowan, R., (2005), **The Dictionary Of Urbanism**, Streetwise Press.
- De Soto, Hernando., (1998), **The Other Path, The Invisible Revolution In The Third World**, Harper And Rom, New York.
- Gilbert, A., And Guglery, (1994), **Cities, Poverty, And Development: Urbanization In The Third World**, Newyork: Oxford University Press.
- Harvey, David., (1996), **On Planning The Ideology Of Planning**, Reding In Planning Theory.
- Hess, G.R., (2004), **Just What Is Sprawl, Anyway?**, www4.ncsu. Edu/grhess.
- Mohammadi, Yasser, Et Al., (2008), **Review The Challenges Marginalized In The City Kuhdasht Lorestan Province**, Human Geography Research No. 66 .Pp 98-85.
- Ooi, G.L, And Phua, K.H., (2007), **Urbanization And Slum Formation**, Journal Of Urban Health, Volume 84, Issue 1.
- Turner, J. F.C.D., (1963), **Welling Resources In South America**, Architectural Design, 33(8).